



۲۰۲۵/۰۱/۰۱

سیدهاشم سدید

## واقعیت هائی در خصوص شاه امان الله خان

امان الله خان همت بلندی داشت. طبعش شریف و خودش مردی نجیب و عقیف بود... و در تاریخ کشور ما بدون اغراق سرآمد همه شاهان بود - و خواهد بود.

کسی بود که از اسارت و عقب ماندگی کشورش رنج می برد و بنده گی/ برده گی بیگانه را برای خود و مردم خویش بدترین ننگ می دانست. استقلال، آزادی، آبادی، ترقی و کار را دوست داشت و برابر اهمیت، برآزندگی و سازگاری هر یک بدان ارج می نهاد و بها می داد... همچنان به تعلیم و تعلم و علم و معرفت و ادب و هنر و بهتر بودن و بهتر زیستن.

از اینکه در میان کشور های جهان، به ویژه کشور های همجوار، عقب افتاده تر و فقیر تر، و ضعیف تر و ویران تر بودیم، بغایت متأثر و دلگیر بود و احساس خردی می کرد.

عاشق و دلباخته مردم و کشور خویش بود و خواهان آن بود که کشورش هر چه سریع تر آباد، معمور، متمدن و متمکن گردد و مردم را در رفاه ببیند.

در رابطه با کشورهای جهان، در عرصه بین المللی، می خواست الزاماً با همه جهان پیوند نیک و نزدیک داشته و رابطه مستحکم و عاری از تخاصم و دشمنی با آن ها بر قرار کند - رابطه وی با شوروی هم متأثر از همین ناگزیری و اندیشه سالم و «فکسونل» بود. مردی بود، که هرگز نمی خواست این پیوند و رابطه با دیگران از بهای پر ارج و ارزشمند احترام متقابل تهی باشد. بلکه، پیوندی می خواست که مبتنی بر عدم دخالت در امور یک دیگر و اجبار و فشار باشد.

او می خواست، همه جهان، با همه افتراق ها و تبااین اعتقادی، سیاسی و فرهنگی و میزان رشد اقتصادی و صنعتی و ضعف ها و قوت های شان با هم در همزیستی کامل و قاعده مند بسر ببرند و بر طبق این مثل که "عیسی به دین خود و موسی به دین خود"، در پذیرش عقاید همدیگر نسبت به هم سخت گیری نکنند و دیگران را به عنف به پیروی از خواسته های خود وادار نکنند.

در عرصه داخلی و حکومتداری می خواست دولت در برابر مردم پاسخ گو و پابند قوانین - نظامنامه ها - باشد و کار کند؛ و به هر ترتیبی شده است، گرد فقر و رنج و زحمت و منت را از دامان مردم بزداید.

همانگونه که گفتیم، همتش بلند بود و خواسته هایش آکنده از عشق و محبتی بی شانبه نسبت به کشور و مردم.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولۍ

به همین دلایل، و با مروری بر زندگانی وی و آنچه کرد و می خواست بکند، ثواب نیست امروز مزد افکار بلند و نیات خیرخواهانه و ملی وی را آنچنان که سزاوار او است و بود، ادا نکرده او را بدون لحظه ای نشستن و سر به جیب تفکر نبردن، آنگونه که بزهداران را برای تحقیق به محکمه می کشانند، به محکمه بکشانند، و پشت میز بازجویی - به ویژه سؤال و جوابی غرض آلود، یا کینه توزانه - نشانند و برای چنین مردی همایون و فرخنده پی ای دفتر هایی بی ریخت و دور از داد و دهش ترتیب داد و نامش را به لجن کشید.

تعیین میزان کار بد و نیک انسان ها، کار یک انسان دانا و عادل و با ایمان است. اگر کار قضاوت در یک موضوع به دست چنین انسان هایی سپرده شود، بدون تردید و ریب نمی توان امان الله خان را برای «هیچ کاری که او در دوران زعامت خویش کرد»، گناهکار شمرد و محکوم نمود.

آنجا که "انگشت ایراد و انتقاد" را می توان به طرف وی بلند کرد؛ به نظر نگارنده این سطور، اما، فقط می توان بر تندرستی او در اجرای برخی از کار های وی انگشت گذاشت؛ که آنهم برای انبوهی آرزو های متعالی، ملی، شریفانه و انسانی، که از نیات نیکوی وی ناشی می شد؛ بیشتر قابل چشم پوشی و گذشت باید باشد، تا خرده گیری و نق زدن! آنچه چون یک روز آفتابی روشن است، این است که نیات وی بغایت نیک بود ...،

نیاتی نیک، ولی سوگمندان کمی تند روانه در یک بستر بسیار نامساعدی مکانی - بدون تحلیل جامعه و توجه به روحیه محافظه کارانه مردم - ، که نمی تواند مهر تأیید اهل تعیین و تفکیک و تشخیص را حاصل کند.

مثلی داریم بسیار مفید و ارزشمند و پر معنا بدین بیان: "عجله کار شیطان است". این مثل را باید به آب طلا نوشت و باید همیشه آویزه گوش نمود و زیب و زینت خانه ضمیر، اندیشه و تأمل خویش قرار داد.

بلی، او در کارش بسیار ناشیانه عجله کرد - هرچند عجله لازم بود، اما نه آنقدر و به آن تندی و در یک کشور عقب مانده و مردمی با اندیشه های ناپخته و ذهنیت های سنت گرا و بسیار بدوی - مرمانی بی خبر از جهان مترقی و مقتضیات توسعه و پیشرفت.

نوگرانی وی بدون شک قابل تصدیق و تسجیل بود، اما نه با چنان بی ملاحظه گی و با مردمانی چنان فناتیک و قشری مسلک!

امان الله خان، جانی که باید با تدبیر و آرامی قدم بر می داشت، دوید؛ و دویدن، همانطور که گفته اند: "افتادن هم دارد".

عیب وی تنها همین بود؛ عیبی که متأسفانه مانند اژدهای کریه المنظر همه خوبی هایش را در انظار برخی ها به لهیب کشید.

باری؛ هدف از این نوشته این است، که اگر بر مسند داوری تکیه زدی، ای برادر گل، داوری باش که خلق خدا به تو، به پاکیزه گی، صافی و اخلاقت آفرین گوید. همان گونه باش که اگر عیب کسی را گفتی، از روی انصاف، هنر وی را هم بگویی؛ چون هیچ انسان متعارف و با مغزی بی عیب نه یکسره نیک است و نه یکسره بد و پر از معصیت و خبط و خطا!

نکته دیگر در باره امان الله خان مرحوم این واقعیت است که خطای او، هرچند او بیدادگرانه کیفر سنگینی برای آن پرداخت، نسبت به خطاهای خیلی ها از سیاستمداران ما آنقدر مدهش نبود که امروز آن ها را برای آن ها به آسمان ها بلند کنیم، ولی امان الله خان را به ذلت کشیده به زمین بزنیم؛ چنانکه در حیات سیاسی ما فقط همین یک خاطی و نابکار وجود داشته است.

حرف آخر اینکه: برای محترم شمردن و دوست داشتن وی، گذشته از سایر کارهای نیک وی، همین کافی ست که بدانیم او با درک مدیرانه شرایطی بعد از جنگ جهانی دوم، آنگاه که پای فیل انگلیس در داخل و خارج در گِل گیر کرده بود برای استقلال و آزادی کشور و حفظ شرف و آبروی همه مردم افغانستان سلاح برداشت؛ و دیگران، برای ادامه سلطه آشکار و پنهان بیگانه ها بر کشور - و تلاش برای رفع ستم ملی!

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیبرلو مخکې په خیر و لولئ